



چرا معصومین هم به ابتلائات الهی گرفتار می‌شوند/ سر «انا بشر مثلكم»

شیخ صدوق در «کمال الدین و تمام النعمة» روایتی را از حسین بن روح، ناب خاص سوم حضرت حجت (عج) نقل می‌کند که در آن به این پرسش که چرا انبیا و معصومین مانند سایر مردم زندگی می‌کنند، پاسخ داده است.

شیخ صدوق در «کمال الدین و تمام النعمة» روایتی را از حسین بن روح، ناب خاص سوم حضرت حجت (عج) نقل می‌کند که در آن به این پرسش که چرا انبیا و معصومین مانند سایر مردم زندگی می‌کنند، پاسخ داده است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی از حجت الاسلام ابوالفضل ابراهیمی، استاد حوزه علمیه امام خمینی (ره) در خصوص شبهه ای است که اخیراً در خصوص ابتلاء و عدم ابتلاء معصومین به بیماری مطرح شده است؛

در روزهای گذشته دو یادداشت از حجت الاسلام قاسم ترخان در خبرگزاری مهر مطرح شد که مضمون آن در مورد ابتلاء و عدم ابتلاء امام زمان (ع) به بیماری بود و مباحثی در این زمینه به قلم ایشان انتشار یافت که البته مباحثی کامل و پاسخی بود به شبهاتی که در این زمینه طرح منتشر شده بود. هدف از این یادداشت پاسخی است که به این شبهه از کلام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده است و آنچه توجه به این مطلب را دو چندان می‌کند این است که پاسخ حضرت از زبان نایب سوم ایشان یعنی جناب حسین بن روح نوبختی رضوان الله علیه نقل شده که ۱۸ ماه شعبان سالگرد رحلت این بزرگمرد می‌باشد.

این روایت را شیخ صدوق رضوان الله علیه در کتاب شریف کمال الدین و تمام النعمة نقل فرموده اند. ویژگی مهمی که این کتاب شریف دارد این است که به گفته خود ایشان، انگیزه تألیف آن اشاره مستقیم خود حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان بود که در مقدمه کتاب جریان مفصل آن را نقل فرموده اند.

شیخ صدوق رحمه الله از محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی رضی الله عنه نقل می‌کند که روزی به همراه جماعتی نزد جناب حسین بن روح قدس الله روحه بودیم که از بین ما مردی بلند شد و به ایشان عرض کرد: جناب شیخ سوالی دارم. حسین بن روح فرمودند: هر سوالی که به نظرت می‌آید بپرس. آن مرد گفت: به من خبر بده از حسین بن علی (ع)، آیا ایشان ولیّ خدا نبودند؟ جناب حسین بن روح فرمودند: بله همینطور است ایشان ولیّ خدای متعال بودند. سپس آن مرد گفت: به من خبر بده از قاتل ایشان آیا قاتل حسین (ع) دشمن خدا نبود؟ ایشان فرمودند: بله همینطور است. در این هنگام آن مرد سوال کرد آیا جایز است که خدای عزّ وجلّ دشمن خودش را بر ولیّ خودش مسلط گرداند؟!

در این هنگام جناب حسین بن روح فرمودند: خوب گوش کن به پاسخی که در جواب سوال تو خواهم داد. بعد ایشان پاسخ نسبتاً مفصلی به آن سوال نقل کردند به این مضمون: «بدان که خدای متعال به صورت رو در رو با مردم صحبت نمی‌کند و با ایشان هم کلام نمی‌شود، چرا که خدای متعال با چشم سر قابل رؤیت نمی‌باشد و کلام خدای عزّوجلّ با گوش سر قابل شنیدن نیست، اما خدای متعال رسولانی از جنس خود مردم به سوی ایشان می‌فرستد که مثل آنها بشر هستند، چرا که اگر فرستادگان الهی از جنس بشر نبودند و مانند ایشان نبودند مردم با دیدن آنها فرار می‌کردند و حرف آنها را قبول نمی‌کردند. با وجود اینکه پیامبران نیز از جنس مردم بودند و مانند ایشان غذا می‌خوردند و در اجتماعات حضور می‌یافتند، اما مردم به آنها می‌گفتند: شما هم مثل ما بشر هستید، لذا حرف شما را قبول نمی‌کنیم تا اینکه کاری انجام دهید که ما از انجام آن کار عاجز باشیم تا بفهمیم شما ویژگی‌هایی دارید که ما نداریم و کارهایی انجام می‌دهید که ما قدرت بر انجام آنها را نداریم. لذا خدای متعال برای پیامبران معجزاتی را قرار داد که مردم از انجام مثل آن عاجز بودند مثلاً حضرت نوح پس از اینکه قوم ایشان نصیحت‌ها و هدایت‌های ایشان را گوش ندادند و نافرمانی کردند طوفانی آوردند و قوم ایشان به عذابی مبتلا شدند که تمامی گنهکاران از قومش را هلاک کرد.

حضرت ابراهیم (ع) را در آتشی سهمگین انداختند و آن آتش بر حضرت هیچ گونه آسیبی نرساند و یا حضرت صالح از دل کوه برای قوم خود شتر ماده ای دارای شیر در سینه هایش آوردند و حضرت موسی با عصایش رود نیل را شکافت و از یک سنگ دوازده چشمه جاری کرد و آن عصای چوبی را به اژدهائی تبدیل کرد و از جمله این پیامبران حضرت عیسی بودند که ناپنیان و ناشنویان را به اذن خدای متعال شفا می‌دادند و مردگان را زنده می‌کردند و به مردم خبر می‌داد که در خانه ایشان چه دارند و چه چیزهائی را ذخیره کرده اند و بعضی دیگر از این پیامبران اشاره به وجود مقدس نبیّ مکرم اسلام حضرت محمد (ص) خدای متعال ماه را برای او دو نیم کرد و حیوانات مانند شتر و گاو با ایشان سخن می‌گفتند.

وقتی که خدای متعال چنین پیامبرانی را فرستاد و معجزاتی به ایشان داد که دیگران از آوردن آن عاجز بودند، اما لطف خدای متعال بر بندگانش و حکمت ایشان اقتضا داشت که پیامبرانش را با وجود این قدرت خارق العاده و با وجود این معجزات گاهی پیروز گرداند و گاهی شکست دهد و در مواردی غلبه با ایشان باشد و در مواردی نیز دیگران بر ایشان غالب شوند چرا که اگر خدای متعال در تمامی موارد پیروزی را با انبیا عظامش قرار می داد و ایشان را به هیچ بلایی مبتلا نمی کرد و مورد امتحان الهی قرار نمی داد، مردم قائل به اولویت ایشان می شدند و آنها را خدایی در مقابل خدای متعال قرار می دادند و به علاوه اگر ایشان در جمیع ابتلائات پیروز می شدند، دیگر صبر و تحمل ایشان در برابر سختی ها و ابتلائات مشخص نمی شد. به همین دلیل خدای متعال حالات فرستادگانش را مانند سایر مردم قرار داد تا اینکه به هنگام بلا و سختی صابر و به هنگام عافیت و پیروزی بر دشمنان خدا شاکر نعمتهای الهی باشند و در همه حالات متواضع و از تکبر به دور باشند.

چرا که وقتی مردم این حالات را مشاهده کنند می فهمند که ایشان نیز خدایی دارند که او خالق این پیامبران و مدبر امور ایشان است و با راهنمایی ایشان خدای متعال را عبادت و فرستادگانش را اطاعت کنند و به وسیله این پیامبران حجت الهی بر کسانی که از حدود تجاوز کرده از دستورات الهی نافرمانی می کنند و قائل به الوهیت این پیامبران می شوند، تمام شود تا اینکه اگر کسی منحرف می شود پس از اتمام حج و بینات و اگر کسی هدایت می شود از روی حجت باشد.

پس از اینکه جناب حسین روح جواب آن شخص را دادند مجلس تمام شد و همه به خانه های خود رفتند.

محمد بن ابراهیم بن اسحاق می گوید: فردای آن روز دوباره به نزد ایشان رفتم در حالی که در طول مسیر با خود می اندیشیدم که آیا این سخنانی که حسین بن روح در جواب آن مرد گفت از نظرات شخصی خودش بود؟!

با همین اندیشه به حضور ایشان رسیدم و هنوز کلامی ردّ و بدل نشده بود که ایشان ابتداً و بدون اینکه من سخنی گفته باشم فرمودند: ای محمد بن ابراهیم اگر از آسمان به زمین بیافتم و بدنم را پرندگان و لاشخورها تکه تکه کنند و ببرند و یا اینکه بادی بوزد و بدن من را به مکان دور دستی بیاندازد این حالت برای من محبوب تر است از اینکه در دین خدای متعال کلامی بگویم که استنباط شخصی خودم باشد و بدان که تمام جوابی که دیروز به آن مرد دادم از اصلی ظاهراً اشاره به کتابی است که کلمات ائمه علیهم السلام و یا امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آن بوده است که در اختیار من است بود و تمامی آن پاسخ ها را از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه شنیده بودم.

این حکایتی که شیخ صدوق نقل کرده اند پاسخی است به این شبهه که چگونه می شود انبیا و ائمه علیهم السلام که خود مقام شفاعت دارند و جانشینان الهی هستند به ابتلائات الهی گرفتار شوند که البته از آیات و روایات این مطلب کاملاً قابل استفاده است لذا خدای متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امر می کند که به مردم بگو: قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ، یعنی من بشری هستم مثل شما که تفاوت من با شما فقط در این است که از جانب خدای متعال به من وحی می شود، یعنی همه حالات طبیعی که برای شما اتفاق می افتد برای من نیز اتفاق می افتد و یکی از این اتفاق ها فانی بودن نفس انسان است و هیچ کس در دنیا برای همیشه زنده نمی ماند، لذا در سوره انبیا خطاب به حضرت می فرمایند: وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَ قَانِ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (۳۴)، یعنی هیچ بشری قبل از تو خلق نشد که برای همیشه روی زمین زندگی کند یعنی تو نیز از دنیا می روی و مشرکانی که منتظر هستند تا با رحلت تو به فساد خود ادامه دهند آنان نیز می میرند بعد یک قانون کلی را مطرح می کنند که: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ تَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۲۵)، یعنی هر نفسی طعم مرگ را می چشد و شما را امتحان می کنیم گاهی با خیر و گاهی با شرّ و رجوع همگان به سوی ماست، لذا مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان از امام صادق (ع) نقل می کنند که امیرالمومنین (ع) بیمار شدند و عده ای برادران مؤمن به محضر ایشان رسیدند، وقتی عرض کردند شما را در چه حالی می یابیم؟ فرمودند: در حالت شرّ. ایشان با تعجب پرسیدند چگونه مثل شما چنین کلامی بر زبان می آورد، کنایه از اینکه شکایت از خدا می کند؟! حضرت این آیه شریفه را خواندند و خیر را تفسیر به صحت و بی نیازی و شرّ را تفسیر به بیماری و فقر فرمودند. (تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ج ۴۱۶ & ۸ rlm) فی مجمع البیان [۱ & rlm]: و روی عن أبي عبد الله - عليه السلام -؛ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - عليه السلام - مرض. فعاده إخوانه فقالوا: كيف تجدك؟ [۲ & rlm] یا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قال: بشرٌ. قالوا: ما هذا كلام مثلك! قال: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَ تَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً. فالخير: الصّحة و الغنى. و الشرّ: المرض و الفقر. [۳]

با توجه به این آیات و روایات مشخص می شود که اهل بیت در روش زندگی مانند بقیه مردم هستند و این شبهه که چگونه ممکن است حضرت بیمار شوند با تأمل در آیات و روایات زائل می شود. از خدای متعال سلامتی و فرج حضرت

بقية الله خواهانيم و ان شاء الله در دوران غيبت كبرى جز كسانى باشيم كه ثابت قدم در ولايت ايشان هستند.

[۱] المجمع ۴/ ۴۶.

[۲] م و ن: نجدك.

[۳] قمى مشهدى، محمد بن محمدرضا، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ۱۴ جلد، ايران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى. سازمان چاپ و انتشارات - ايران - تهران، چاپ: ۱، ۱۳۶۸ ه. ش.

منيع روايت: (كمال الدين و تمام النعمة؛ ج ۲&؛ rlm؛ ص ۵۰۷)